

مناقشات ژئوپولیتیکی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در بحران سوریه و تاثیر آن بر قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران

علی رحیمی^۱، عزت اله عزتی^{۲*}، مسعود مهدوی حاجیلویی^۳

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

^۲ دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

^۳ استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

شد

چکیده

تحول در فضای ژئوپولیتیک محیط امنیتی آسیای جنوب غربی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای را به در پیش گرفتن رویکردهای متفاوت، نسبت به بحران های حادث شده در این منطقه، وادار نموده است. در این بین بحران سوریه از چنان عمق و ابعادی برخوردار است که توانسته تعادل قوای قدرتهای نافذ منطقه ای و فرامنطقه ای را متناسب با آنچه در این بحران از دست داده یا منفعی که به آن چشم دوخته اند برهم زند. در این بحران، مناقشه ژئوپولیتیکی، تضاد ایدئولوژی و منافع استراتژیک قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای با جمهوری اسلامی ایران، کشورهای فوق را به پیکاری مستقیم با کشور ایران فراخوانده است.

مضاف بر آن تحولات سوریه از آغاز تا کنون، یکی از مهمترین رویدادهایی است که علاوه بر مسائل منطقه ای، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار داده است. با توجه به آنکه کشور سوریه سالهای متمادی، نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب، محور مقاومت و اتصال استراتژیک ایران به مدیترانه و خاور نزدیک را داشته است. این امر موجب آن شده که تضعیف سوریه، علاوه بر تضعیف محور مقاومت، کاهش نفوذ و قدرت منطقه ای ایران را در پی داشته باشد. پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و می کوشد تأثیرات متغیر مستقل یعنی مناقشه ژئوپولیتیکی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در بحران سوریه را بر قدرت منطقه ای ایران به منزله متغیر وابسته را به بحث و بررسی گذارد. هدف اصلی نوشتار تجزیه و تحلیل قدرت منطقه ای ایران در پرتو تحولات سوریه می باشد. نتایج پژوهش نشانگر آن است که هر یک از سناریوهای پسا بحران مرتبط با تحولات ژئوپولیتیکی کشور سوریه، تأثیرات اساسی بر قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران را در بر خواهد داشت.

واژه های کلیدی: سوریه، ایران، مناقشه ژئوپولیتیکی، قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای، امنیت منطقه ای.

۱-مقدمه و بیّن مسئله ۱-۱. نُدنه

چشم انداز موجود از خیزشهای مردمی، بیانگر آغاز تحولات و لرزشهای ژئوپولیتیکی گسترده در فضای خاورمیانه و شمال آفریقا است که جغرافیای سیاسی منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است. به همین دلیل در طی تاریخ، این منطقه با جنگها و ناآرامی های عدیده ای مواجه بوده که با منافع کشورهای مختلف جهان گره خورده است. لذا تحولات سوریه و بحران این کشور را نیز در این راستا می توان تحلیل کرد. بحران سیاسی در سوریه نشان دهنده آن است که بحران در این کشور از یک موضوع داخلی و حتی منطقه ای فراتر رفته و ابعاد بین المللی به خود گرفته است و یا به عبارت روشن تر بحران در این کشور را می توان به عنوان محور اصلی تغییر در موازنه ی قدرت در منطقه خاورمیانه دانست که هرگونه جابجایی در ساختار قدرت سیاسی این کشور، دارای پیامدهای راهبردی برای کشورهای مختلف خواهد بود. به عبارتی دیگر، جابجایی قدرت و رهبران سیاسی سوریه نه تنها منجر به ایجاد خلاء قدرت در محیط منطقه ای شده، بلکه می توان آن را زمینه ساز دگرگونی های بنیادی تر در حوزه امنیت منطقه خاورمیانه دانست. بنابراین، ماهیت مواضع بازیگران خارجی در پرونده سوریه متفاوت از یکدیگر است. به عبارت روشن تر این بازیگران بر اساس منافع خود در سه سطح "همکاری، رقابت و تقابل" با موضوع سوریه در تقابل و تعامل هستند. در واقع بحران سوریه، منطقه را وارد دسته بندی نوینی کرده است و دولت سوریه و مخالفان و معارضان داخلی آن، بطور مشخصی از حمایت های سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی-تسلیحاتی قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای برخوردار شده اند. در یک طیف این بحران کشورهای چین، روسیه، ایران و عراق و تا حدودی لبنان و برخی سازمان های غیردولتی مانند حماس و جهاد اسلامی از دولت سوریه و بقای بشار اسد در قدرت پشتیبانی میکنند و در طیف دیگر دولت های غربی به رهبری ایالات متحده و اتحادیه اروپا و برخی از دول منطقه شامل ترکیه، بعضی دول عربی همچون عربستان سعودی و قطر و برخی سازمان های غیردولتی هم چون جریان اخوان المسلمین صف آرای کرده اند (تبریزی، ۱۳۹۱، ص ۴۶ و ۴۷). هرکدام از این بازیگران با توجه به منافع، ملاحظات، اهداف و هویت هایی که دارند، نقش خود را در این بحران تعریف کرده و در دو صفتبندی جداگانه به دو جبهه مخالف و موافق دولت سوریه تقسیم شدند و زمینه های پیچیده شدن، چندبعدی شدن و تطویل بحران سوریه را فراهم نموده اند.

بحران سوریه و تداوم آن در چند سال اخیر، یکی از حساسترین موضوعاتی است که دستگاه سیاست خارجی و حتی محافل نظامی و امنیتی ایران را به کوشش برای حل مسالمت آمیز آن واداشته است؛ زیرا هرگونه تحول بنیادین در سوریه میتواند بر جایگاه ایران در معادلات منطقه ای و جهانی اثر گذار باشد. از طرفی نزدیکی بیشتر اعراب محافظه کار منطقه به غرب و در نتیجه انزوای ایران در سطح منطقه ای و بین المللی، تشدید فشار اسرائیل علیه محور مقاومت و ایران و حتی تقویت گزینه حمله نظامی به ایران و در نهایت، برهم خوردن توازن قدرت به نفع ترکیه و عربستان، به عنوان دو رقیب منطقه ای ایران؛ از جمله سناریوهایی است که در صورت تغییرات بنیادین در سوریه، گریبانگیر ایران خواهد بود. لذا بحران سوریه و چشم انداز آینده آن از جنبه های مختلف بر امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار خواهد بود و هرگونه تحول ژئوپولیتیکی در کشور سوریه شکل مستقیم و غیرمستقیم دارای پیامدهای امنیتی بر منافع ملی و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران را دارا می باشد؛ چرا که سوریه پل ارتباطی ایران با جبهه مقاومت است و تضعیف سوریه می تواند موجب کاهش قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و تضعیف امنیت منطقه ای را برای این کشور فراهم نماید. از این رو ضرورت دارد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه و پیامدهایی که این بحران می تواند برای کشور ایران داشته است به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار داده و در این راستا در مقاله حاضر می کوشیم به این دغدغه ها بپردازیم. نوشتار حاضر با بررسی بحران سوریه از اوایل سال ۲۰۱۱ تا پایان سال ۲۰۱۷ و با در نظر گرفتن اهمیت سوریه در محور مقاومت و نقش ژئوپولیتیک آن کشور در منطقه و همچنین دخالت و تأثیرگذاری بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای رقیب ایران در تحولات داخلی این کشور، تلاش نموده به این سؤال پاسخ دهد که مناقشات ژئوپولیتیکی سوریه چه تاثیری بر امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی را

خواهد داشت؟ برای پاسخگویی به سوال پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، از روش توصیفی - تحلیلی بهره گیری شده است. توصیفی از آن جهت که وضعیت موجود در ارتباط با هریک از تهدیدات مورد مطالعه، توصیف شده و تحلیلی از آن جهت که وضعیت موجود هر یک از تهدیدات فوق مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. جمع آوری منابع مورد استفاده به روش کتابخانه ای و اینترنت بوده و همچنین از کتب، مقالات فارسی و لاتین، پاینامه های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع و طرح های پژوهشی با محوریت مقاله از مهمترین منابعی بوده اند که مورد استفاده قرار گرفته است. یافته های پژوهش بیانگر این است که مسئولان تصمیم گیر دستگاه سیاست خارجی ایران نه تنها میتوانند با بکارگیری تمام ظرفیتهای منطقه ای و یک دیپلماسی فعال در عرصه ی داخلی و بیرونی تحولات سوریه نقش مؤثری در مدیریت و کنترل اوضاع ایفا نمایند، بلکه باتخاذ یک راهکارمنطقه ای مناسب و با مشارکت دادن دیگر بازیگران دارای نفوذمنطقه وفرامنطقه ای، تهدیدات رابه فرصتهای استثنایی در راستای بالابردن جایگاه منطقه ای و بین المللی ودر بیان موجبات ارتقا قدرت ایران شوند.

۲-۱. ضرورت و اهمیت موضوع

از آن جایی که منافع ملی هر کشوری دارای اهمیت ویژه ای بوده و دستیابی به منافع ملی در سیاستهای خارجی هر کشوری نمود می یابد و از طرفی عوامل داخلی و خارجی تعیین کننده سیاست خارجی هستند، بنابراین اهمیت تحولاتی که موجبات تغییر توازن و نظم منطقه ای شده، دو چندان می شود. به همین سبب تاثیرگذار بودن حوادث و تحولات خاورمیانه بصورت اعم و کشور سوریه بطور اخص برای کشور ایران ارزش اساسی خواهد داشت. لذا از آنجایی که سوریه همواره یکی از متحدان استراتژیک و راهبردی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و در جبهه ضد صهیونیستی مقاومت نقش مهمی را ایفا می نماید به همین سبب بررسی تحولات ژئوپولتیکی این کشور، از اهمیت زیادی در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. در این راستا انجام مطالعات جامع درباره اهداف، ساختار، سیاست ها و استراتژیها و قابلیت های ناتو در زمینه ها و مناطق مختلف جهان به ویژه در ارتباط با ایران که ضمن ارائه شناختی واقعی از سیاستها و توانایی های این سازمان، محدودیت ها و آسیب پذیریهای آن و تهدیدهای مختلف آن نسبت به منافع ملی ایران همچنین ارزیابی دقیق تواناییها و آسیب پذیریهای کشورمان در مقابل تهدیدهای آن، پیشنهادات اجرایی لازم را در تمام بخشها جهت مقابله و کاهش تهدیدها و آثار منفی اقدامات ناتو بر منافع ملی کشورمان ارائه کند، اولین و در عین حال اساسی ترین و ضروری ترین اقدام به نظر میرسد.

۳-۱. م. اله موضوع

مناقشات ژئوپولتیکی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در بحران کشور سوریه چه تاثیراتی را بر قدرت منطقه ای ایران در بر خواهد داشت؟

۲-ادبیات موضوع و پیشینه

۱-۲. ادبیات نظری

با آنکه تلاشهای بسیاری جهت تئوری پردازی در مورد مجموعه های امنیتی شده اما منسجم ترین کار را باری بوزان تدوین کرده است. یعنی تحلیل امنیت بر پایه ی محیط امنیتی. از نظر بوزان هر منطقه ای فرمول امنیتی ویژه خود را دارد و شیوه ی حل منازعه بین مناطق، از یکی به دیگری قابل تعمیم نیست. از این رو خاورمیانه مانند منطقه امریکا، اروپا و... فرمول امنیتی خود را داراست او مشابهت های درون منطقه ای را بسیار پر رنگ می بیند و معتقد است که مقولاتی چون تداخل جریانهای قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین المللی با سرعت و به سهولت، خاورمیانه را نظاره -گر نزاع های خونین ساخته است(نصری، ۱۳۸۹). بنابر همین علت، از نظر وی شناسایی ریشه های تاریخی، اقتصادی یا فرهنگی مناطق مورد نظر و سپس بررسی پویای امنیتی آنان در منطقه، تصویر شفافی از سیاستها و استراتژی های امنیتی دولتهای منطقه را ارائه می دهد. وی بر این باور است از آنجا که سطوح تحلیل ملی و بین المللی نمی تواند برای تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به مناطق مناسب باشند، لذا وجود یک سطح تحلیل میانه برای این منظور ضروری خواهد بود(بوزان، ۲۰۱۰، ص ۲۱۵).

چهارچوب مفهومی نظم های منطقه ای* پاتریک مورگان† و دیوید لیک‡ برای تبیین مفهومی پژوهش حاضر انتخاب شده است. اگر چه واحد تحلیلی اصلی مفهوم نظم های منطقه ای نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای‡ باری بوزان** * اولی ویور‡‡ است، اما در نظم های منطقه ای هدف این است که یک متغیر وابسته مشترک یعنی نظم منطقه ای یا شیوه مدیریت مناقشه در داخل مجموعه امنیتی منطقه ای توضیح داده شود. (مورگان و لیک، ۱۳۹۲: ۸۲)

مجموعه های امنیتی منطقه ای: فروپاشی جهان دوقطبی و حاکم شدن شرایط جدید امنیتی بر سامانه بین المللی، بوزان را بر آن داشت تا با بازنگری در دیدگاه پیشین خود، در کتاب «مردم، دولتها و هراس» در سال ۱۹۹۱ نظریه «مجموعه امنیت منطقه ای» را مطرح نماید که قادر باشد تبیین بهتری از تحولات پیچیده جهان پس از جنگ سرد ارائه دهد (واعظی و داداندیش، ۱۳۹۰، ص ۴). بوزان مجموعه امنیتی منطقه ای را این گونه تعریف می کند: مجموعه ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هر دو آنها به گون های با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آنها به صورت منطقی نمی تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد یا اینکه حل و فصل شود (بوزان و ویور، ۲۰۰۹، ص ۵۵). بوزان برای تعریف و مشخص نمودن مجموعه امنیتی منطقه ای، مؤلفه ها و ویژگی های ذیل را برمی شمرد:

مجاورت: در این رابطه بوزان اشاره دارد که از لحاظ امنیتی، منطقه به معنای شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه ای از دولتهاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند (بوزان، ۲۰۰۲، ص ۲۱۳)

الگوهای دوستی و دشمنی: منظور از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت ها طیف وسیعی از دوستی واقعیت انتظار حمایت و حفاظت را شامل میشود و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدهاست که در آن سوءظن و ترس حاکم باشد (بوزان، ۲۰۱۰، ص ۲۱۵).

وگبستگی لولللال لللیلی: منظور از وابستگی متقابل امنیتی نیز تاثیر و تاثیر اعضای تشکیل دهنده مجموعه است، به طوری که هرگونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر در مجموعه باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه شود (عبداله خانی، ۱۳۸۴: ۲۷۹).

وجود حداق دو بازیگر مؤثر: این ملاک ما را به این اصل نیز رهنمود می سازد که مجموعه امنیتی منطقه ای نمی تواند توسط تعدادی کشور ضعیف از یک منطقه شکل بگیرد؛ اما شکل گیری آن با حضور دو قدرت منطقه ای مؤثر و چندین کشور ضعیف امکانپذیر است (کورتس، ۲۰۱۱، ص ۸۱).

مجموعه امنیتی آسیای جنوب غربی ††: مجموعه امنیتی منطقه ای آسیای جنوب غربی با نوعی وابستگی متقابل امنیتی تعریف و مشخص میشود که میان کشورهای منطقه از مغرب (مراکش) تا ایران وجود داشته و گسترش یافته و شامل دولتهای عرب بعلاوه ایران و رژیم اشغالگر قدس، اردن، لبنان، سوریه، خلیج فارس (ایران، عراق و شورای همکاری خلیج فارس) و مغرب (مراکش). در این زیرمجموعه ها همپوشانی و تعامل بحدی است که نمیتوان آنها را از هم جدا کرد (برای نمونه تمام کشورهای خلیج فارس با رژیم اشغالگر قدس خصومت دارند (صالحی، ۱۳۹۲: ۷۸). بوزان با توسل به تاریخ نیم قرن اخیر، معتقد است که آسیای جنوب غربی منطقه کشمکش ساز و محل دائمی نزاع بین قدرت ها و گروه های متخاصم است و همین کشمکش به قدرت های دیگر نیز اجازه میدهد تا آنان نیز میدان منازعه خود را به این منطقه انتقال دهند. به طور کلی، دلایل ذاتی از عوامل مذهبی، اختلاف های ایدئولوژیک، مناقشه بر سر جایگاه و رهبری گرفته تا منازعات قومی، سرزمینی و حقوق مربوط به آب همگی منابع نیرومند و پایدار بومی کشمکش و ناامنی را تشکیل می دهند (بوزان، ۲۰۰۲، ص ۶۷۰).

* Regional Orders

† Patrick Morgan

‡ David Lake

§ Regional Security Complex

** Barry Buzan

†† Ole Waever

** Southwest Asia security Suit

- بحران ژئوپولیتیک* : بحران ژئوپولیتیک عبارتست از منازعه و کشمکش کشورها و گروههای متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران ها سرچشمه ها و انواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اخلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسانها می گردند. بحران ژئوپولیتیک از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و بسادگی قابل حل و برطرف شدن نیست. زیرا موضوع بحران و کشمکش ارزش های جغرافیایی هستند که در زمره منافع ملی و جمعی محسوب می شوند(حافظ نیا،۱۳۸۵: ص ۱۳۰-۱۲۶).

- رقابت ژئوپولیتیک: رقابت تلاش دو یا چند گروه، ملت و کشور برای نفوذ یا سلطه در منطقه یا جهان یا دسترسی به منابع فضایی(اعم از مادی و معنوی)است. رقابت در جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک بدون مقیاس معنا ندارد و فلسفه قانون رقابت، استیلا، برتری و دست یابی به فرصت هاست. در این بین، اقدامات عملی برای رهبری یا نفوذ در یک کشور، منطقه یا جهان شکل رقابت به خود می گیرد. ممکن است حوزه و منشأ رقابت، سرزمین، ناسیونالیسم، کمبود منابع، قدرت و اقتصاد باشد. از درون این رقابتهای ائتلاف و رقابتهای تسلیحاتی شکل می گیرد. باید توجه داشت که در رقابت، دو یا چند قدرت به طور همزمان اقداماتی می کنند تا از ارزشهای جغرافیایی(مادی و معنوی) سهم بیشتری کسب کنند. رقابت در صورت استمرار و کسب احاطه بر ارزشهای رقیب ممکن استبه «منازعه ژئوپولیتیک» تبدیل شود، این منازعه شاید مرحله آخر رقابتهای ژئوپولیتیک باشد؛ به همین دلیل اغلب ویژگیهای رقابت ژئوپولیتیک در منازعه ژئوپولیتیک تجمیع می شود.

- تعارضات ژئوپولیتیک: منافع و اهداف متعارض، مواردی است که کشورها و دولت ها نگرش و تلقی متضاد و غیرهمسو به آنها دارند. هر کدام سعی می کنند با حذف دیگری یا دیگران بر منافع و منابع چیره شده و کنترل انرا بدست گیرند (همان، ص ۳۱۳). ویژگیهای متمایز جغرافیایی زیر ساخت رفتارهای واگرایی و جدایی گزینی در بین دولت ها را به وجود می آورد(حافظ نیا و کاویانی،۱۳۸۸: ص ۷۳). عوامل ستیز و تعارض نیز موجب دور شدن واحدهای سیاسی از یکدیگر می شود و زمینه بحران را فراهم می آورد(طاهری موسوی،۱۳۸۸: ص ۱۰۶). بنابراین اهداف و منافع متعارض سرچشمه ی فرایند رقابت، کشمکش و درگیری بین مدعیان بازیگر و دولت ها و کشورهای طرف ماجرا می باشد. فرایند رقابت در قالب عمل متقابل دوجانبه یا چندجانبه و بصورت ائتلاف ها و دولت های همسو و یا رقیب شکل گرفته وتوسعه مییابد که نهایتا ممکن است به برخورد نظامی منجر گردد(حافظ نیا،۱۳۸۷: ص ۱۳۰).

- قلمرو خواهی† : قلمرو ژئوپولیتیک عبارت است از فضای جغرافیایی و انسانها و جوامع مربوط به آنها که در حوزه نفوذ و تاثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی ، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، امنیتی ، تجاری ، تکنولوژیکی و رسانه ای کشور یا بازیگر قدرتمند قرار دارد. عبارتی ، کشورها و سرزمین ها و فضاهای جغرافیایی پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز (قلب) قرار دارد (حافظ نیا،۱۳۸۹: ص ۱۱۴).

۲-۲. پیشینه پژوهش

نویسندگان	اهداف یا سوال اصلی	مهمترین یافته ها
سید امیر نیاکوئی و حسین بهمنش	بازیگران معارض در بحران سوریه ، اهداف و رویکردها	منافع سه کشور فوق در سوریه ، به سطح بالایی از همپوشانی رسیده است .در این میان ،جلوگیری از

* .Geopolitical Crisis

† .Realm Geopolitical

نفوذ ژئوپولیتیکی ایران، فصل مشترک انگیزه های بازیگران فوق می باشد.	(۱۳۹۴)
فقدان یک دستور العمل و استراتژی مشخص توسط امریکایی ها و حرکت براساس الگوهای نتیجه محور، یکی دیگر از مشکلات آمریکا در مواجهه با تحولات عربی است	محمود واعظی (۱۳۹۴)
کشورهای که نقش رقیب منطقه ای ایران را ایفا می نمایند، در صدد تغییر در موازنه ی قدرت منطقه ای هستند این امر در میان مدت ژئوپولیتیکی خلیج فارس و خاورمیانه را تحت تاثیر قرار می دهد.	عباس مصلی نژاد
سیاست های که برای پیاده کردن سناریوی لیبی در مورد سوریه از سوی غرب و هم پیمانان آن در جریان است، تاکنون توفیق چندانی به همراه نداشته است. یکی از اهداف اصلی در سوریه قطع محور استراتژیکی است که ایران را به لبنان، فلسطین و دریای مدیترانه متصل می سازد. لذا قرار دادن سوریه در حالت هرج و مرج، تاکتیکی از سوی غرب در جنگ با ایران محسوب می شود. ظاهرا با چنین نگرانی، روسیه و چین سیاست های خود را در برابر بحران سوریه تنظیم نمود و با اعمال حق "و توی" خود، به طور محتاطانه ای در مقابل سیاست های غرب و متحدین آن قرار گرفته اند.	ناصر ثقفی عامری (۲۰۰۳)
تحلیل روابط سوریه و ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی و جنگ عراق علیه ایران و به این موضوع تکیه دارد.	چوبین گودرزی (۱۳۹۲)
دغدغه ی غرب و متحدان آن اعتراض به سیاست های بشار اسد و دفاع از حقوق مردم سوریه نبوده بلکه مهم، برای آن ها اهداف و منافع است که از سقوط بشار اسد عاید آن ها می شود.	بنجامین میلر (۲۰۱۳)
سوریه برای همه کشورهای منطقه ای و فرمانطقه ای یک مورد استثنایی می باشد و هر تغییر و تحولی در آن میتواند تأثیر بنیادینی بر منافع هر یک از بازیگران داشته باشد. نویسنده این استثنا را ناشی از پیچیدگی های استراتژیک و تعدد بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای در بحران سوریه می داند که ایجاد هرگونه تعادل به این بازیگران مؤثر در بحران را دشوار می داند.	ناصر بیات (۱۳۹۵)
اگر نظام سیاسی بشار اسد سقوط کند در این صورت، نوبت ایران فرا میرسد و ایالات متحده آمریکا و ناتو میتوانند با ایجاد اغتشاش داخلی در ایران، هجوم را آغاز کنند و ایران را تضعیف نمایند. حتی اگر به ایران هجوم هم نشود، حداقل حلقه رابط ایران با لبنان و حماس قطع میشود. بنابراین بحران سوریه نبرد سنیها با شیعیان یا همان قصه همیشگی هلال شعی و تلاش برای منزوی کردن ایران است.	هدی رودی (۱۳۹۶)

۳- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی است. به منظور بررسی میزان تأثیرگذاری مناقشات ژئوپولیتیکی قدرتهای منطقه ای و فرمانطقه ای بحران سوریه بر امنیت منطقه ای ایران از ظرفیتهای تبیینی نظریه نظم های منطقه ای استفاده شده است. مطابق استراتژی پژوهشی- تحلیلی آزمون فرضیه های برگرفته از نظریه، خود نظریه را نیز مورد آزمون قرار داده و اثبات فرضیه بیانگر قابلیت تبیینی آن است. در نظریه های روابط بین الملل سه سطح تحلیل وجود دارد. سطح تحلیل اول مربوط به ویژگیهای کشور، سطح دوم مربوط به تحلیل موضوعات منطقه ای و سطح سوم مربوط به ویژگیهای نظام بین الملل بوده و بر تأثیرگذاری ساختار نظام بین الملل بر رفتار کشورها تأکید دارد. این پژوهش بر سطح تحلیل منطقه ای تأکید دارد. همچنین، سه دیدگاه درباره تحلیل منطقه ای وجود دارد: دیدگاه اول بر تشابه رفتار دولتها در سطوح مختلف تأکید داشته و معتقد است که دولتها در هر سه سطح رفتار یکسانی از خود بروز می دهند. دیدگاه دوم، معتقد است که هر منطقه جغرافیایی، منطقه ای منحصر به فرد بوده که مفروضه ها و گزاره های آن قابل تسری به مناطق دیگر نیست. دیدگاه سوم، معتقد است که مناطق از عوامل سطوح بالاتر (نظام بین الملل) و پایین تر (ملی) خود تأثیر می پذیرند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳، ص ۸۳ و ۸۴). از این جنبه نیز این پژوهش بر مبنای دیدگاه دوم انجام شده است.

۴- رویکرد روش‌شناسی

این تحقیق از حیث رویکرد توصیفی و تحلیلی است. روش استفاده در این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با توجه به نوع و ماهیت موضوع مورد مطالعه، ارزیابی و تجزیه تحلیل قرار گرفته است.

۱-۲. استراتژی کلی تحقیق

تعریف مفاهیم یا متغیرها

۱- ژئوپولیتیک: ژئوپولیتیک به معنای اهمیتی است که کنترل فضای جغرافیایی شامل سرزمین ملی، یک منطقه یا حتی کره زمین برای تداوم حیات دولتها و ملتها دارد. مطابق این دیدگاه، ملتها و دولتها در مبارزه ای دایمی برای حیات خود به سر می‌برند که در این راستا کنترل برفضاهایی که زمین به آن تقسیم شده از اهمیت فوق العاده برخوردار است. یکی از این فضاها که اولویت همه دولتها و ملتهاست، سرزمین ملی است. یکی دیگر از این فضاها منطقه جغرافیایی مانند خاورمیانه است که برای بازیگران منطقه ای و بین المللی از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین سیاست با سرزمین بودن عجین دانسته می‌شود. حیات وسلطه دولت در اینجا با کنترل سرزمین شناخته و اندازه گیری می‌شود، تمایز داخلی و خارجی از سرزمین بودن استنباط می‌شود. شهروند و غیر شهروند بواسطه وجود سرزمین جغرافیایی سیاسی « و مرز معنا پیدا می‌کند. ساده ترین تعریفی که جغرافیدانان از جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک کرده اند این است که اثر تصمیم گیری های سیاسی انسان بر روی چهره و اشکال جغرافیایی مربوط به محیط انسانی، همچون حکومت، مرز، مهاجرت، ارتباطات، توزیع، نقل و انتقال و غیره را مطالعه می‌کند. در حالیکه ژئوپولیتیک به مطالعه ی اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست های دگرگون شونده جهانی می‌پردازد. بنابراین تعریف، ژئوپولیتیک اموری نظیر ساختار و کارکرد قدرت، نزاع، همگرایی و...؛ از ترکیب آنها بایکدیگر واگرایی، حوزه نفوذ، رقابت، تصمیم گیری، بحران کنترل وسلطه و نفوذ، صلح وهمکاری، منابع و محیط زیست، فضا، منافع ملی، قدرت ملی، امنیت وثبات ملی، روابط فضایی، توسعه و رفاه، محلی گرایی و جهان گرایی و نظایر آن که به طور عمده مفاهیمی کلی و پایدار هستند را در بر میگیرد و پایدار هستند را در بر میگیرد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۹)

۲- منافع ملی: مجموعه ای از همه ی پدیده ها و عناصری که در حفظ بقا و بهتر زیستن یک ملت نقش آفرین است، «منافع ملی» آن ملت یا کشور خوانده می‌شود. این پدیده ها و عناصر در برگیرنده ی همه ی بارزه های موجودیت ملی یک کشور است؛ از سرزمین و مرزها گرفته تا اقتصاد و سیاست و عوامل فرهنگی مؤثر در پدیدار آمدن و دوام یافتن و نیرومندتر شدن آن ملت و هویت ملی و نقش آفرینی های داخلی، منطقه ای و جهانی، همه و همه در مفهوم «منافع ملی» یک ملت جای دارد. اکثر کارشناسان امور بین المللی، هدف ها و انگیزه های اصلی رفتار کشورها در صحنه بین المللی را منافع ملی نام نهاده اند. به طوریکه در بیشتر موارد، اهداف و سیاستهای دولتها در چارچوب منافع ملی مطرح میشود. هدف سیاست خارجی دستیابی به منافع ملی می‌باشد که می‌تواند شامل: ۱. حفظ تمامیت ارضی ۲. وحدت کشور ۳. امنیت ملی ۴. رفاه ملی ۵. حیثیت ملی ۶. کسب قدرت می‌باشد. (علیرضا طیب، ۱۹۹۰: ۱۰)

۳- - - ر-: منظور از بهار عربی رویداد هایی هستند که از اواخر ۲۰۱۲ با خودسوزی یک جوان ۲۶ ساله در تونس آغاز شد و در نهایت به سقوط بن علی در تونس انجامید. تاثیر سرایتی این رویداد بر سایر جوامع عرب به گونه ای بود که چند صباحی بعد مبارک نیز در مصر سقوط کرد و دامنه اعتراضات کشورهای مختلفی چون بحرین، یمن و سوریه را فرا گرفت و در کشورهای دیگر چون مراکش، اردن، عربستان سعودی نیز اعتراضات بوقوع پیوست (نیا کوئی، ۱۳۹۱: ۱۳)

۴- بحران: پیشامدی است؛ که به صورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه و یا جامعه می‌انجامد. بحران باعث بوجود آمدن شرایطی می‌شود؛ که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق العاده است. بحران ها بر حسب نوع و شدت متفاوتند. بحران یک فشارزایی بزرگ و ویژه است که باعث در هم شکسته شدن انگاره های متعارف و واکنش های گسترده می‌شود و آسیب ها، تهدیدها، خطرها و نیازهای تازه ای به وجود می‌آورد.

۵- استراتژی: استراتژی علم و هنری است که از همه امکانات و توانایی ها و ترکیب و تلفیق آنها استفاده می شود تا به اهداف خاصی برسیم به عبارتی می توان گفت استراتژی، علم و فن گزینش درست از منابع متنوع است. همچنین استراتژی به معنای هنر و علم توسعه و استفاده از منابع سیاسی، اقتصادی، روانی و... مورد نیاز برای تأمین حداکثر حمایت از سیاست های ملی و بین المللی را در بر می گیرد. (علی پرست، ۱۳۸۶: ۱۱) استراتژی به معنای اصطلاحی جدید به این صورت تعریف می شود: فن و علم توسعه به کارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت هنگام جنگ و صلح به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست ملی و افزایش احتمال دست یابی به نتایج مطلوب برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست.

۶- جایگاه راهبردی (استراتژیک): واژه ی راهبردی یا استراتژیک، یک واژه ی جغرافیایی است که در موارد فراوانی از آن بهره می گیرند همچون: «سلاح راهبردی یا استراتژیک»، «کلای راهبردی یا استراتژیک»، «آبراه راهبردی یا استراتژیک»، یا «دانش راهبردی». بیشتر این مفاهیم، جنبه نظامی دارد؛ بنابراین جایگاه راهبردی، یک موقعیت جغرافیایی است که دارای اهمیت نظامی می باشد؛ بدین معنا که از این جایگاه ها میتوان بر دریا یا خشکی اشراف داشت و در حالت جنگ، ضربه های کاری بر دشمن وارد کرد. (کشوردوست، ۱۳۸۸: ۹)

۷- منطقه: اصطلاح منطقه در جغرافیای سیاسی به گونه ی تصادفی استفاده نمی شود. منطقه یک فضای جغرافیایی را گویند که از یک سلسله پدیده های مشابه و عوامل پیوند دهنده ی اجزای آن محیط، هم از نظر فیزیکی و هم از دید محیط انسانی برخوردار باشد. یک منطقه، در جغرافیا، هنگامی قابل تشخیص است و هنگامی از یک شخصیت جغرافیایی یکپارچه و متمایز از دیگر مناطق برخوردار است که عوامل پیوند دهنده اجزای آن بخوبی آشکار و قابل شناسایی باشند. از نظر فیزیکی یک منطقه باید محیط یکپارچه ای بوده، یا دست کم از ویژگی های مشابهی برخوردار باشد. (مجتهدزاده و عسگری، ۱۳۸۴: ۳۱)

۲-۳. روش های گردآوری داده ها

کتابخانه ای و اسنادی: که با مراجعه به کتاب ها، مقالات علمی و پژوهشی، اسناد و سایت های مختلف و با تجزیه و تحلیل و ترکیب ادبیات علمی موجود درباره بحران کشور سوریه و اثر گذاری آن بر منافع ملی ج.ا.ایران، ارتباط فی مابین این دو متغیر را مورد بررسی قرار می دهد.

۳-۳. روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها

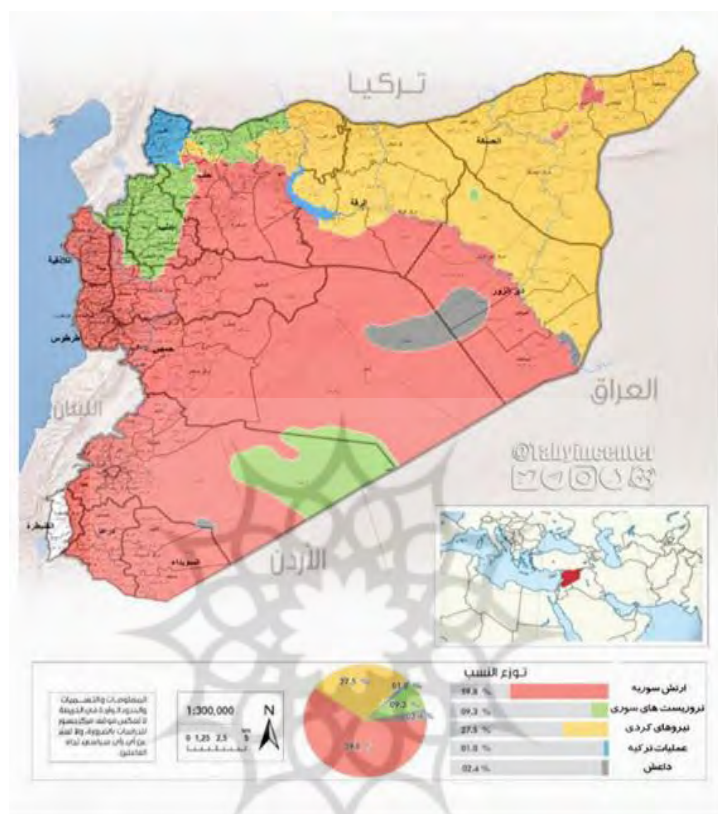
از آنجاکه وضعیت موجود کشور سوریه و تحولات آن کشور بخصوص پس از ۲۰۱۱ مورد مطالعه قرار گرفته است و داده های مربوط در وضعیت موجود مدنظر است تحقیق از نوع توصیفی است. از سوی دیگر داده های موجود در قالب استراتژی های مربوطه مورد تحلیل قرار گرفته تا تأثیر آن بر قدرت منطقه ای ایران مورد ارزیابی قرار گیرد لذا تحقیق از نوع تحلیلی خواهد بود.

۴. یافته ها

۱-۴. کشور سوریه

کشور سوریه با مساحت ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۲۲ میلیون نفر می باشد. از جمعیت ۲۲ میلیونی ۷۴ درصد سنی مذهب، ۱۳ درصد علوی ها، شیعیان دوازده امامی و اسماعیلیان، ۱۰ درصد مسیحی هستند و ۳ درصد بقیه شامل دروزیان و یزیدیان می باشند. جمعیت شیعه بیشتر در شهرهای دمشق، حلب و روستاهای اطراف حمص ساکن اند. ۸۹.۳ درصد مردم سوریه عرب و بزرگترین اقلیت قومی در این کشور را کردها با رقمی حدود ۶ درصد جمعیت تشکیل می دهند (نجات و ولدانی، ۱۳۹۲، ص ۳۳). کشور سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، یکی از مهم ترین کشورهای خاورمیانه محسوب می شود که توانسته در چند دهه اخیر نقش مهمی را در روند تحولات منطقه ای ایفا نماید. ژئوپولیتیک این کشور به شکلی است که جایگاه راهبردی به این کشور بخشیده است؛ قرار گرفتن این کشور در نقطه اتصال سه قاره آسیا،

اروپا و آفریقا باعث شده این کشور به عنوان یک بازیگر میان اروپای صنعتی و خاورمیانه به ایفای نقش بپردازد (اجرلو، ۱۳۸۹، ص ۵۶). سوریه کشوری ژئوپولیتیک محور است که ۳ عامل؛ واقع شدن در منطقه استراتژیک یک خاورمیانه، قرار گرفتن برکناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، بوضوح اهمیت ژئوپولیتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه ای و بین المللی نمایان میسازد. لذا هر تغییری در نظام این کشور، تغییر ژئوپولیتیکی بنیادین را در خاورمیانه باعث خواهد شد.



نقشه ۱ - موقعیت سوریه در منطقه جنوب غرب آسیا Source: <http://tabyincenter.ir>

۲-۴. جایگاه ژئوپولیتیکی شرق مدیترانه در قلمرو خواهی ایران

حوزه مدیترانه شرقی که در واقع نقطه آغازین حرکت محور مقاومت و پیشانی کمر بند شیعی محسوب می گردد، جلوه گاه تقابل اسلام و رژیم صهیونیستی است و نیز به سبب اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، می تواند بخشی از قلمرو استراتژیک ایران باشد. این حوزه نقطه عطف تحقق اهداف راهبردی ایران به شمار می رود. لذا این منطقه جغرافیایی از حیث موقعیت ژئوپولیتیک و برخورداری از جمعیت شیعه مذهب قابل توجه در ترکیب مذهبی این حوزه و موقعیت این گروه جمعیتی در همجواری با رژیم صهیونیستی از موضع تاثیرات نرم و گسترش نفوذ از موقعیتی راهبردی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران با ارزش های خاص و ویژه است، ارزشهایی که ریشه در فرهنگ اصیل اسلامی و هنجارهای بومی انسان دارد و این ارزش های بومی - مذهبی در حوزه جغرافیایی و تمدن ویژه شکل گرفته و مهمترین عامل تاثیر و نفوذ منطقه ای ایران می باشد.

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ سنتی، دارای قدرت نرم است، قدرتی که به این کشور اجازه نفوذ فرهنگی و مردمی در میان کشورهای منطقه و منافع راهبردی را بدون توسل به زور و حربه های نظامی و صرفا با تکیه بر سیاست ورزی رامیدهد (نصرتی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۵). لذا با توجه به اهداف سیاست خارجی و اهداف منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، افزایش نفوذ

منطقه ای بر پایه عوامل پیوند دهنده ژئوپولیتیک در جهت ایجاد حلقه های امنیتی پیرامون امری ضروری است. از این رو منطبق با اصول و مبانی فلسفی انقلاب اسلامی، تلاش در جهت ایجاد حوزه های نفوذ، از اولویت راهبردی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران می باشد. کشور ایران در مرکز ثقل و کانون جغرافیای شیعه بوده و از این رو میتواند و باید این قلمرو را رهبری نماید که در این صورت، موفق به بر هم زدن موازنه ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک خاورمیانه می شود. این کشور با بهره گیری از مولفه های تاثیرگذار چون وحدت کلمه، دشمن مشترک (رژیم صهیونیستی)، ارمان مشترک، استقلال و نفی وابستگی، مردم گرایی و مقاومت در جنگ ۸ ساله، تبدیل به الگو شده و زمینه همگرایی بیشتر باحوزه شرق مدیترانه رافراهم ساخته است که این امر منجر به ایجاد یک قلمرو فضایی بامرکزیت ایران شده است.

۳-۴. ژئوپولیتیک بحران در سوریه

سوریه بدلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه محسوب می شود که توانسته است در چند دهه اخیر نقش مهمی را در روند تحولات منطقه ای ایفا نماید. در همین راستا، هر تغییری در نظام این کشور، باعث تغییر ژئوپولیتیک خاورمیانه می شود (نجات و ولدانی، ۱۳۹۲، ص ۳۳). تقابل سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست در کشور سوریه سبب شده است تا شاهد رقابت بازیگران مختلف منطقه ای و بین المللی در تحولات داخلی سوریه باشیم. سوریه که به عنوان بخشی از سرزمین بزرگ شام شناخته می شود در کنار کشورهای چون لبنان، ترکیه، عراق، فلسطین اشغالی، قبرس و اردن قرار گرفته است. این همسایگی سبب شده است تا با ترکیه بر سر موضوع کردها و همچنین اختلافات ارضی با دولت عراق در سالهای گذشته در رقابت ایدئولوژیک با حزب بعث قرار داشته باشد. سوریه به همراه ایران یکی از اجزاء و عناصر محور مقاومت را تشکیل می دهند و در این مسیر به حمایت از گروههای جهادی فلسطین، مخصوصاً حماس، جهاد اسلامی فلسطین و حزب الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی حمایت مادی و معنوی می نماید.

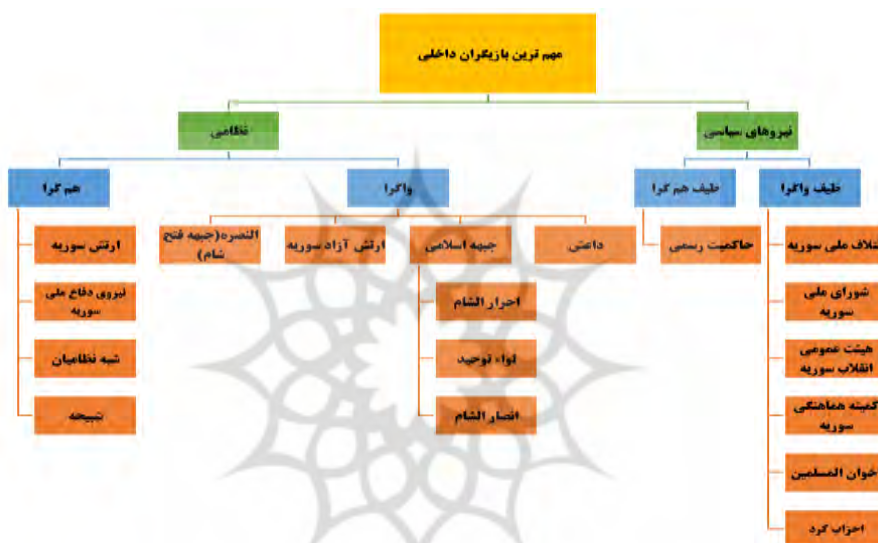
۱- ابعاد منطقه ای بحران: بعد منطقه ای بحران سوریه، که به زعم این پژوهش مهمترین بعد آن است به دخالتهای قدرتهای منطقه ای مربوط میشود. در واقع، تداوم بحران سوریه ناشی از رقابت بین دو جریان متضاد مقاومت و محافظه کار عربی در منطقه خاورمیانه است. از ویژگی بحران سوریه دخالت های مستقیم و غیرمستقیم عوامل بیرونی است؛ به گونه ای که با شروع اعتراضات، بازیگران مهم منطقه ای تکلیف خود را در قبال آن میدانستند: از یک طرف اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس مخصوصاً عربستان و قطر، به همراه ترکیه و اسرائیل، رضایت و حمایت کامل خود را از معترضان داخلی و خارجی بشار اسد، اعلام نمودند و به تلاشهای خود در جهت نفوذ بیشتر و مدیریت اعتراضات افزودند و از طرف دیگر ایران، حزب الله، لبنان و عراق به حمایت از دولت اسد و ثبات حکومت وی می پردازند (همان، ص ۱۰۴).

۲- ابعاد بین المللی بحران: سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل گیری نوعی رقابت بین المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی این کشور شده است (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین نیز دنبال منافع استراتژیکی و اقتصادی خود در منطقه هستند و بحران سوریه را همچون تهدیدی برای منافع استراتژیک خود قلمداد کرده و به عنوان فرصتی برای محکم کردن مواضع و گسترش نفوذ خود در منطقه، به تحولات سوریه چشم دوخته اند. در خصوص تبیین مسئله سوریه از لحاظ سطح بین المللی، نقش و اهداف دو قدرت بزرگ فرا منطقه ای حائز اهمیت است. ایالات متحده در بحران سوریه دو هدف عمده را دنبال میکند؛ اول حفظ امنیت اسرائیل و دوم نفوذ در محور مقاومت در جهت مهار جمهوری اسلامی ایران (همان، ص ۱۶۵). بر این مبنا، از دیدگاه غرب و به ویژه آمریکا، چنانچه سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به سوی جریان محافظه کار تغییر یابد، به نوعی شاید امنیت اسرائیل پس از انقلابهای عربی و به ویژه انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر تا حدی ترمیم خواهد شود.



نمودار شماره ۲: مهمترین بازیگران خارجی سوریه

منبع: نگارنده



نمودار شماره ۱: مهمترین بازیگران داخلی سوریه

منبع: نگارنده

۴-۵. نق. و. منافع بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای در سوریه
 قدرتهای منطقه ای در خاورمیانه مانند ایران، ترکیه، عربستان و اسرائیل تلاش دارند تا با استفاده از پتانسیلهای خود و یا از طریق ائتلاف با دیگر بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای از قدرت گرفتن رقبای خود بکاهند. قدرتهای بزرگ فرامنطقه ای آمریکا و روسیه در جهت منافع خود و نیز برای کاهش نفوذ یکدیگر در خاورمیانه و بخصوص در سوریه خود را ملزم به حمایت از مخالفین و یا دولت سوریه می بینند که این رقابت ها به یک جنگ نیابتی منتهی شده است. حال ما بطور مختصر به نقش و منافع این کشورها در بحران سوریه می پردازیم.

۱. ایران: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران به عنوان یک کشور شیعه و مبتکر اندیشه سیاسی در منطقه خلیج فارس نسبت به همسایگان جنوبی خود از اهمیت زیادی برخوردار گشت. اما تفاوت ها و ویژگی های مذهبی- فرهنگی و سیاسی ایران با این همسایگان مانع ائتلاف و همگرایی با آنها در منطقه خلیج فارس شده است. موقعیت ژئوپولیتیکی ایران به گونه ای است که امکان ایفای نقش یک قدرت برتر در ناحیه خاورمیانه را دارا می باشد. قرار گرفتن ایران در بحرانهای بزرگ منطقه مانند مسئله فلسطین، بحران عراق، حمایت از حزب الله لبنان و بحران هسته ای ایران، این کشور به یک بازیگر اصلی در ناحیه خاورمیانه تبدیل نموده که حل مسائل امنیتی-سیاسی حساس خاورمیانه بدون در نظر گرفتن نقش ایران تقریباً امکانپذیر نمی باشد. (فرازمند، ۱۳۸۸، ص ۴۳-۴۲).

تغییر سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اعلام حمایت رهبر نظام نو پای جمهوری اسلامی ایران از آرمان فلسطین، نه تنها مخالفت علنی و آشکار حکومت ایران با اسرائیل را بوجود آورد بلکه ایران تبدیل به دشمن سرسخت رژیم صهیونیستی در خاورمیانه گردید و بدنبال متحد و یا متحدانی در ناحیه بود تا بتواند موقعیت خود در منطقه را تقویت بیشتری بخشد. ضمن آنکه کشور سوریه برای رهایی از انزوای منطقه ای و توازن قوا در مقابل رژیم صهیونیستی، فرصت را غنیمت شمرد و روابط خود را با ایران گسترش داد و ایران را عمق استراتژیکی جهان عرب توصیف نمود. (گلشن پژوه، ۱۳۸۵، ص ۲۱۹) همکاری گسترده دو کشور ایران و سوریه در جنگهای ۳۳ روزه و ۲۲ روزه حزب الله لبنان با اسرائیل و همکاریها و کمکهای ایران به حزب الله از راه سوریه عمق روابط استراتژیکی دو کشور ایران و سوریه را نشان داد. هر دو دولت ایران و اسرائیل سعی بر آن دارند تا از طریق همسایگان طرف متخاصم وضعیت دشوار سیاسی، اقتصادی و نظامی را بر علیه یکدیگر بوجود آورند تا فرصت تهدید مستقیم از طرف مقابل سلب گردد. پس تحولات سوریه بطور مستقیم بر منافع جمهوری اسلامی ایران تاثیر گذار است. بدین سبب است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه به حمایت کامل از نظام حکومتی دولت بشار اسد پرداخته است. به عقیده سیاست گذاران ایران، همکاری و حمایت از حکومت بشار اسد از مهمترین عوامل پیشبرد رویکردهای سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح ناحیه خاورمیانه میباشد. از منظر بسیاری از سیاستمداران و نظامیان ایران، سیاست خارجی ایران که برای مدت سه دهه در راستای تحقق یک سیاست فعال و موثر در ناحیه خاورمیانه اینگونه روی نظام حکومتی اسد سرمایه گذاری نموده نباید به راحتی حاضر به از دست دادن این کشور استراتژیکی باشد.

۲. ترکیه: وجود اقلیت علوی حاکم در سوریه همواره از جانب حکومت سکولار ترکیه بعنوان یک عامل تحریک علویان ترکیه و کردهای (۳۰٪) کردهای ترکیه دارای مذهب علوی می باشند) این کشور محسوب گشته و جامعه اهل تسنن این کشور از محرومیت نسبی جامعه اهل تسنن سوریه متاثر و اندوهناک می باشند. لذا حکومت ترکیه همزمان با پشتیبانی از جامعه اهل تسنن سوریه، حاضر به تجزیه سوریه به دو کشور علوی مذهب و سنی مذهب نمی باشد. چراکه یک دولت مستقل علوی در کنار شهر هاتای (که در گذشته به نام اسکندرون و بخشی از سوریه بزرگ محسوب می شد) ترکیه که جمعیت زیادی از علویان ترکیه را در خود دارد می تواند خطری برای تمامیت ارضی و مرزی ترکیه فراهم نماید بنابراین دولت ترکیه نه تنها برای مسائل امنیت داخلی و پاسخ گویی به مطالبات اکثریت سنی ترکیه در قبال محرومیت های سیاسی و اجتماعی جامعه اهل تسنن کشور سوریه بر ضد دولت بشار اسد تلاش می نماید بلکه به دلیل موقعیت منحصر بفرد و اهمیت استراتژیکی خود در خاورمیانه خواستار رهبری و ایجاد نقش فعال تری در معادلات منطقه خاورمیانه است. سرنگونی نظام سوریه و به قدرت رسیدن اهل تسنن در سوریه می تواند امتیازات زیادی برای کشور ترکیه به ارمغان آورد. مهمترین دستاورد برای دولت ترکیه برگشت یک میلیون آواره سوری است که مشکلات اقتصادی و امنیتی زیادی برای دولت ترکیه بوجود آورده است. از دستاوردهای دیگر در بعد داخلی عدم تحریک جامعه علوی از سوی حکومت جدید سوریه (باتوجه به اینکه قدرت در اختیار سنی ها قرار خواهد گرفت) و در بعد خارجی ترکیه بعنوان یک کشور مهم تاثیر گذار در معادلات خاورمیانه مورد پذیرش قدرتهای غربی و غیر غربی قرار خواهد گرفت.

۳. عربستان: کشور عربستان سعودی با مذهب رسمی وهابیت از زمان استقلال تا به حال همواره خود را در یک رقابت با ایران شیعی در منطقه خلیج فارس و ناحیه خاورمیانه دیده است (ساجدی، ۱۳۷۲، ص ۹۷-۷۵). دولت عربستان سعودی بدلیل هراس از قدرت گرفتن مجدد ایران پس از سرنگونی حزب بعث صدام و برهم خوردن توازن قوا در خاورمیانه، سعی نمود برای موازنه سازی و کاهش قدرت رقبا خود در منطقه خلیج فارس و ناحیه خاورمیانه با تشکیل اتحاد و ائتلاف با برخی از کشورهای ناحیه و آمریکا به این اهداف نائل گردد (فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۲-۲۹۱). از دید سعودیها نفوذ ایران در عراق، سوریه و حزب الله لبنان که ایجاد هلال شیعی را بوجود آورده است موازنه قوا را در خاورمیانه تا حدودی به نفع ایران تغییر داده است. سقوط رهبران حکومت های نامشروع و غیر دموکراتیک کشورهای تونس، لیبی و مصر در ناحیه خاورمیانه نیز موازنه قوا در خلیج فارس و خاورمیانه را بیشتر به نفع ایران و تضعیف حکومت عربستان سعودی تغییر داده است. برای مقابله

با تحولات جدید خاورمیانه، عربستان وهابی به همراه قطر با حمایت های مالی و تسلیحاتی خود خواهان تضعیف علویان (که از مذهب شیعی محسوب می شوند) و قدرت گرفتن بنیادگرایان سنی مذهب شدند تا تاثیر شگرفی در بحران سوریه به نفع خود ایجاد کند و با از بین بردن نفوذ ایران در سوریه، کاهش قدرت ایران شیعی را در منطقه خاورمیانه رقم زند. در بحران سوریه تحریکات فرقه ای توسط حکومت سوریه و حامیانش از یک سو و سنی های معترض که از حمایت برخی قدرتهای منطقه ای برخوردار بودند آنقدر گسترش یافت که اعتراضات برخی از گروههای مبارز از مسیر و اهداف خود خارج گردید. برخی از شاخه های مبارز تندرو سلفی اهل تسنن مورد حمایت عربستان در اعتراضات ضد دولتی شعار "مسیحیان به بیروت" و "علویان به قبرستان" را سر میدادند. علت شعارهای ضد مسیحی آن بود که مسیحیان خود را در نظام تقریباً سکولار بشار اسد امن تر می دیدند تا در یک حکومت اسلامی که اهل تسنن میتوانست در آینده بوجود آورد. بدین سبب برخی از گروههای مسیحی از دولت بشار اسد به حمایت پرداختند که باعث نارضایتی گروههای مخالف حکومت سوریه گردید.

۴. رژیم صهیونیستی: گرچه سوریه به مدت نیم قرن مستقیماً خطری برای رژیم صهیونیستی ایجاد ننموده ولی همچنان به عنوان مهمترین و خطرناکترین کشور ضد رژیم صهیونیستی در ناحیه محسوب میشود. حجم عظیم تسلیحات نظامی که سوریه از روسیه دریافت داشته و می دارد و همچنین تسلیحات کشتار جمعی (سلاح شیمیایی) باعث گردیده که سوریه از نظر توان نظامی (نسبت به دیگر کشورهای عربی منطقه) در مقابل رژیم صهیونیستی از توانایی بالاتری برخوردار گردد (کتاب سبز، ۱۳۷۴، ص ۱۴-۱۳) حمایت و کمکهای تسلیحاتی سوریه به حزب الله لبنان و راه اتصال کمکهای نظامی و غیر نظامی ایران به حزب الله لبنان همواره باعث به مخاطره افتادن امنیت رژیم صهیونیستی گشته است. بدون تردید تغییر نظام های خودکامه به نظام های مذهبی تندرو بخصوص در همسایگی رژیم صهیونیستی نه تنها منجر به کاهش امنیت آن رژیم می گردد بلکه امکان برقراری روابط عادی با امریکا را بوجود خواهند آورد. در صورت تغییر نظام های اقتدارگرای ناحیه خاورمیانه به نظام های اسلامی تندرو نه تنها با مذاکرات صلح مخالفت می کنند بلکه حتی پیمانهای منعقد شده با رژیم صهیونیستی در گذشته را ملغی می کنند. پس شکل گیری حکومت های اسلامی در کشورهای عربی خاورمیانه نمی تواند مورد استقبال رژیم صهیونیستی قرار گیرد چراکه به عنوان تهدیدی در راستای امنیت نظام سیاسی رژیم صهیونیستی خواهند بود. از جهتی نقش ایران در سوریه و پل ارتباطی ایران با حزب الله از طریق حکومت اسد باعث گردیده تا رژیم صهیونیستی سیاست تضعیف اسد و عدم پیروزی نیروهای معارض تندرو مذهبی را پیشه کند.

۵. آمریکا: سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد در ناحیه خاورمیانه بر پایه حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی (متحد استراتژیکی ایالات متحده در منطقه) و نظام های اقتدارگرای ضد کمونیست منطقه و ایجاد امنیت راه نفتی ناحیه به آبهای آزاد بود. فروپاشی شوروی و سپس واقعه ۱۱ سپتامبر مفهوم امنیت ملی از نگاه سیاستمداران امریکائی را تغییر داد. یکجانبه گرایی و مبارزه با تروریسم و تضعیف کشورهای ضد غربی - ضد رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی خاورمیانه ای امریکا از جایگاه ویژه ای برخوردار گردید. در این راستا طرح خاورمیانه بزرگ (گسترش دموکراسی و تضعیف کشورهای ضد غربی و گروههای تندرو) اعلام و برخی از حکومتهای اقتدارگرای ضد غرب با مداخله نظامی امریکا سقوط نمودند (ارکمن، ۱۳۸۷، ص ۵۳-۲۳).

هدف آمریکا از طولانی کردن این درگیری ها کشاندن سوریه به یک جنگ فرسایشی و نابودی زیر ساخت های کشور سوریه و تضعیف قدرت نظامی سوریه در برابر رژیم صهیونیستی بود. این سیاست امریکا در جنگ ایران و عراق به مدت هشت سال مورد استفاده قرار گرفت که باعث تضعیف دو کشور ایران و عراق در منطقه خلیج فارس گردید (ایران حداقل برای دو دهه هزینه های مالی بسیار گزافی برای باز سازی کشور پرداخت نمود). با حمله شیمیایی بر علیه مردم سوریه، امریکا که خواهان نشان دادن تصویر خود در مقام مدیریت کننده امنیت جهانی، سعی نمود تا با اعلام حمله محدود موشکی بر ضد مراکز نظامی سوریه و بدون تغییر نظام بشار اسد، قدرت نظامی این کشور را آنقدر تضعیف نماید که دیگر سوریه در برابر مخالفین از سلاح شیمیایی استفاده نکند و در آینده تهدید شیمیایی از سوی سوریه بر علیه رژیم صهیونیستی نیز نتواند صورت پذیرد و همچنین برای نظام های مخالف امریکا و اسرائیل که بدنبال سلاحهای کشتار جمعی اند، می توانست درس عبرتی باشد. علت اعلام حمله

محدود ولی نه سرنگونی حکومت اسد را در راستای تخریب و تضعیف هرچه بیشتر کشور سوریه و عدم اعتماد دولت امریکا به برخی از گروههای تندرو معارض سوری و همچنین نفوذ القاعده، طالبان و گروههای وابسته به آنها (مانند النصره) در سوریه را باید دانست.

۶. روسیه: پس از گذشت دو دهه از فروپاشی شوروی و بازگشت مجدد ولادیمیر پوتین برای سومین مرتبه به قدرت، سیاست خارجی روسیه از حالت انفعالی خارج گردید. حمایت پوتین از دولت سوریه بمعنای بازگشت واقعی روسیه به صحنه بین الملل و مهمترین تغییر ژئوپولیتیکی این کشور در چند سال اخیر محسوب می گردد. پوتین که فروپاشی شوروی را یک اشتباه تاریخی می داند، دیگر حاضر نیست بعد از سقوط نظام های اقتدارگرای وابسته به روسیه (عراق، لیبی)، آخرین پایگاه و منطقه نفوذ روسیه در خاورمیانه، یعنی سوریه از دست رود. در واقع دولت روسیه که خواهان ایفای نقش بیشتری در امور جهانی است، نمی تواند به راحتی سرنگونی رژیم اسد (متحد قدیمی) و از دست رفتن آخرین پایگاه روسیه در خاورمیانه را بپذیرد. حمایت روسیه از نظام اقتدارگرای بشار اسد در برابر معارضین سوری و مخالفت با حمله نظامی امریکا به سوریه به خوبی نشان داد که سیاست خارجی روسیه از منفعل بودن خارج و به یک سیاست فعال تبدیل گردیده و نشان دهنده این است که روسیه به دنبال تداوم ادامه حضور خود در ناحیه خاورمیانه می باشد.

روسیه به خوبی می داند که با از دست رفتن سوریه موقعیت ایران در منطقه تضعیف خواهد گردید و این مسئله امکان ضربه زدن به منافع روسیه را در پی خواهد داشت و بهره برداری امریکا از ناحیه خاورمیانه را بیشتر فراهم می آورد. به عبارتی، جنگ غرب با ایران به معنی ناامنی در آسیای مرکزی و در نتیجه بی ثباتی در مناطق جنوبی روسیه خواهد بود. قرار داشتن چین در کنار روسیه در بحران سوریه باعث گردیده تا پوتین با اعتماد و تلاش بیشتری سیاست روسیه را در منطقه خاورمیانه دنبال نماید. ارسال ناوگان جنگی روسیه به شرق دریای مدیترانه و مخالفت روسیه با مجازات سوریه بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل و همچنین ارائه طرح انهدام تسلیحات شیمیایی سوریه برای توقف حمله غرب به سوریه را بایستی در این راستا دید.

۶-۴. مناقشات ژئوپولیتیکی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در بحران سوریه

۱- محور ایران، رژیم اسد، حزب الله و دولت عراق با محور شیعیان

با شروع بحران در سوریه، ایران به صورت فزاینده ای از رژیم اسد حمایت نمود. ایران به بحران سوریه به منزله بازی حاصل جمع صفر نگاه میکند. درواقع، ایران در صورت سقوط اسد نه تنها یک متحد مهم عرب خود را از دست خواهد داد بلکه توانایی هایش برای حمایت از حزب الله و به طور خلاصه نفوذ در لبنان و همچنین فلسطین و مسئله اعراب - اسرائیل کاهش خواهد یافت. ایران در حال حاضر به سوریه به منزله خط اول دفاع خویش علیه تلاش همنوای دشمنان منطقه ای و فرامنطقه ای اش که نه تنها به دنبال تغییر رژیم در سوریه و پایان اتحادش با تهران بلکه به دنبال منزوی نمودن و فروپاشی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بخشی از استراتژی بلندمدت خویش هستند، نگاه می کند (گودرزی، ۲۰۱۳، ص ۲۶). از طرفی تداوم بحران در سوریه، گروههای مختلف در لبنان و از جمله گروههای مسلح لبنان بصورت مستقیم سرنوشت خویش را در پیوند با بحران سوریه دیدند. در این راستا میتوان به شکاف بین دو گروه ائتلاف ۱۴ مارس که از شورش ها در مقابل اسد حمایت میکردند و حزب الله شیعه که رهبری ائتلاف ۸ مارس را بعهده دارد و به پیروی از ایران از دولت اسد حمایت میکنند، اشاره کرد. برای هردو گروه بحران کنونی سوریه پیامدهای استراتژیکی مهمی دارد، زیرا روند و فرایند آینده این بحران میتواند بر آینده توازن قدرت در لبنان تأثیرگذار باشد (دیس، ۲۰۱۳، ص ۶۱). بطور کلی در محاسبات حزب الله، سقوط اسد میتواند موازنه منطقه ای را در منطقه به ضرر محور ایران، سوریه و حزب الله و به نفع محور عربستان سعودی و کشورهای عرب سنی و همچنین در داخل موازنه را به ضرر حزب الله و نفع ائتلاف ۱۴ مارس تغییر دهد.

۲- محور - ائتلاف ضد تفوق طبری (عربستان سعودی، ترکیه و کابری دهتهای خلیج فارس)

همگام با شروع بحران در سوریه، دولت های خلیج فارس به سمت تغییر رژیم در سوریه روی آوردند و همواره عربستان و دولت های خلیج فارس به دنبال تغییر موازنه در رأس هرم قدرت (به چالش کشیدن هژمونی سیاسی شیعیان در ساختار سیاسی) به نفع خویش و به هزینه جمهوری اسلامی ایران بوده اند (شعبانه، ۲۰۱۳، ص ۲۵).

در همین راستا دولت های خلیج فارس تلاش می کنند که با استفاده از بحران کنونی، سوریه را به سمت دوری از تهران و در نتیجه خارج کردن از صف متحدان منطقه ای ایران هدایت کنند. این تلاش میتواند در محور ایران، سوریه، حزب الله لبنان و حماس در منطقه اخلال ایجاد نماید و موازنه منطقه ای را به ضرر ایران در منطقه تغییر دهند. به خصوص رهبران عربستان سعودی و قطر باور دارند که روی کار آمدن یک رژیم دوست در سوریه، میتواند قدرت شیعیان عراق را که به ایران نزدیک هستند، محدود نماید و در نتیجه وزن استراتژیک منطقه ای آنها را در مقابل ایران افزایش دهد. همچنین تغییر رژیم در سوریه میتواند به تقویت پیوند دولت های خلیج فارس با همپیمانان خود در لبنان که از نظر روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی در مقابل محور حزب الله لبنان و بشار اسد قرار دارند، کمک کنند (حسن، ۲۰۱۳، ص ۱۷).

۳- بازیگران منطقه ای خارج از ائتلاف ها

ابهام در وضعیت آینده منطقه و تلاش برای به حداکثر رساندن منافع برای تجزیه و تحلیل استراتژی رژیم صهیونیستی در قبال بحران سوریه با دو روایت مواجهه هستیم. در تعبیر اول، رژیم صهیونیستی در چند دهه گذشته با یک دشمن شناخته شده ای مواجه بوده که توانسته است مرزهای شمال شرقی خود یعنی بلندیهای جولان را محفوظ نگاه دارد ولی با یک تغییر در حکومت یعنی آمدن جهادی ها و سلفی ها به عنوان گروه مخالف، این اطمینان از بین خواهد رفت. در تعبیر دوم، تغییر رژیم در سوریه میتواند سوریه را از صف متحدان ایران و حزب الله در منطقه خارج نماید و در نتیجه نفوذ منطقه ای ایران و حزب الله در مقام دشمنان استراتژیک رژیم صهیونیستی را کاهش خواهد یافت. به هر حال بررسی دقیق تر نشان می دهد که رژیم صهیونیستی موقعیت خودش را در ارتباط با پیامدها می سنجد و هر چند که ادامه این بحران را اجتناب ناپذیر میداند ولی تمایلات مداخله جویانه خویش را در مکان و زمانی که متناسب بداند حفظ می نماید (ریدر، ۲۰۱۳، ص ۴). روی هم رفته رژیم صهیونیستی آلترناتیو تغییر رژیم را در سوریه ترجیح میدهد ولی نگران این موضوع است که جانشین رژیم بشار اسد چه حکومتی باشد. در نهایت اسرائیل امیدوار است که یک رژیم سکولار در سوریه سرکار بیاید، اما دارای نفوذی محدود شده باشد و از جریان ضد رژیم صهیونیستی در جهان عرب حمایت ننماید. اسرائیل بدون تغییری بزرگ، سعی دارد که به صورت مدبرانه کانال هایی را برای ظهور بازیگری که در آینده پیامدهای مثبتی برای رژیم صهیونیستی داشته باشد، به وجود بیاورد و همچنین با همسایگانی مانند اردن، ترکیه و دولت های خلیج فارس بعضی از اهدافش را مشترکاً پیگیری نماید. بنابراین رژیم صهیونیستی سعی میکند که منحصراً بصورت یک تماشاگر در بحران سوریه نباشد (رابینوویچ، ۲۰۱۲، ص ۱).

۴- بازیگران فرمانطقه ای

۴/۱- آمریکا؛ موازنه منطقه ای بلندمدت در راستای هژمونی گرایي: واشنگتن تمایل دارد که اسداز قدرت برود، اما به این مسئله توجه دارد که منافع بلندمدت منطقه ایش تحت تأثیر عناصر سلفی در منطقه قرار نگیرد. به عبارتی واشنگتن تمایل به کاهش نفوذ منطقه ای ایران دارد اما نه به قیمت افزایش نقش جهادی های سلفی در قالب دولت اسلامی (که در درازمدت هژمونی سیاسی ایدئولوژیک آمریکا را در منطقه به خطر خواهد انداخت). در واقع توازن منافع منطقه ای است. این عمل توازن نه تنها شامل منافع منطقه ای آمریکا می شود، بلکه منافع سیاسی وسیع تر دولت آمریکا را که اجتناب از درگیری گسترده در دیگر جنگهای خاورمیانه ای است، برآورده می کند (گاس، ۲۰۱۴). در پایان باید استدلال کرد که رویکرد و استراتژی کلان ایالات متحده در منطقه مبتنی بر هژمونی گرایي در ابعاد سه گانه سیاسی- ایدئولوژیک، امنیتی- نظامی و اقتصادی (یکی از محورها آن تضمین انتقال آزاد انرژی از خاورمیانه به جهان غرب صنعتی است) است.

۴/۲- روسیه؛ تلاش برای موازنه منطقه ای آمریکا: روسیه تلاشهای عمده ای را به منظور احیا و تقویت نقش خود در مقام قدرتی جهانی انجام داده و از عضویت دائم در شورای امنیت به شکلی فعالانه برای حفظ چنین نقش جهانی استفاده نموده

است (نیکتین، ۲۰۱۲، ص ۱). در بعد اهداف منطقه ای، روسیه در پی این است که بازیگری مهم در خاورمیانه باقی بماند و جایگاهش می بایست در منطقه به حساب آورده شود. آنها معتقدند که رفتن اسد منجر به متحدشدن سوریه با ترکیه و غرب در منطقه یا رفتن سوریه در آشوب و جنگ طولانی خواهد شد که در هر دو وضعیت، روسیه یک متحد قابل اتکا را در منطقه از دست خواهد داد. افزون بر آنها نگران فروپاشی محور رژیمهای دوست خود یعنی ایران - سوریه در راستای موازنه حضور غرب در منطقه اند (گرنبری، ۲۰۱۲، ص ۳).

۷-۴. تاثیر مناقشات ژئوپولیتیکی بازیگران بر قدرت منطقه ای ایران

۱- تضعیف محور مقاومت: یکی از مهمترین اهداف قدرتهای منطقه ای و فرمانطقه ای در بحران سوریه تضعیف محور مقاومت بوده است، از ستونهای اصلی محور مقاومت، به خاطر مرز مشترکی که با اسرائیل دارد، در معادلات راهبردی آمریکا در منطقه مانع بزرگی بشمار می آید و آمریکا با نابود کردن این پل ژئوپولیتیکی و از میان برداشتن رابط میان ایران و صف اول مقاومت، بدنبال تضمین امنیت اسرائیل است. از منظری دیگر میتوان استدلال نمود که جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاکریز نخست جبهه مقاومت اسلامی قلمداد می کند و به همین دلیل ایران در طی بحران سوریه هیچگاه از راه حلهای نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از منطقه ای و غربی، جهت حل و فصل بحران این کشور حمایت ننموده است؛ بلکه برعکس مسئولان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یک راه وجود دارد و آن نیز راه حل سیاسی است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران به سوریه همچون متحدی راهبردی در منطقه خاورمیانه می نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروههای اسلامی محور مقاومت از قبیل حماس و حزب الله را همواره به منزله یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است. همچنین ایران کشور سوریه را به مثابه سپری از دفاع امنیتی در منطقه برای خود قلمداد مینماید که در صورت فروپاشی ممکن است که ایران را با یک معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبرو سازد (صادقی و لطفی، ۲۰۱۵، ص ۱۴۰).

۲- تضعیف جایگاه و نفوذ ایران در منطقه: تلاش قدرتهای منطقه ای و فرا منطقه ای برای نقش آفرینی در تحولات جاری در سوریه، عراق، لبنان و فلسطین گویای آن است که مخالفان منطقه ای و خارجی ایران طرح گسترده ای را برای تضعیف گروهها و حکومت های طرفدار ایران در دست اجرا دارند. در این راستا، عربستان سعی دارد با ایفای نقش فعالتر در کنترل پسا بحران سوریه، جایگاه خود را در این کشور ارتقا دهد. تا قبل از بحران سوریه، عربستان بدنبال بهبود روابط با سوریه با هدف تضعیف رابطه این کشور با ایران بوده است. اما با شروع تحولات سیاسی این کشور، (گازانسکی، ۲۰۱۱، ص ۵). نفوذ و عمق استراتژیک ایران در منطقه مهمترین تهدیدی است که از شرایط فوق برای ایران ایجاد میشود و میتواند به شدت منافع و امنیت ملی را تحت تاثیر قرار دهد. در واقع برای آمریکا، غرب و کشورهای عرب محافظه کار، جنگ با سوریه به مثابه بخشی از جنگ گسترده با ایران ارزیابی میشود. به تعبیری دیگر سوریه گروگان آنها برای فشار به ایران است.

۳- شکل گیری منازعات گفتمانی و تشدید تنش های فرقه ای و مذهبی در منطقه: از آغاز شکل گیری تنش در سوریه، گروههای متعددی موسوم به گروههای تروریستی - تکفیری با عناوین مختلف در بحران سوریه ایفای نقش نموده اند. ویژگی مشترک و غالب همه این گروهها، بنیادگرایی، سلفی گری، جزمیت، تخریب مقابر و شعائر مذهبی، انجام جنایات وحشیانه برای تجاوز و کشتار مردم بی گناه در لوای اسلام است. یکی از مهم ترین اهداف این گروهها، ایدئولوژیک نمودن و سیاسی جلوه دادن اسلام، با نام اسلام رادیکال و فرقه بازی های اسلامی است (زاماچاک، ۲۰۱۳، ص ۶۶). اثرپذیری مطلق تحولات منطقه ای در خاورمیانه از عواملی نظیر مذهب، قومیت و اتحادهای بیرونی باعث شده تا این باور شکل گیرد که جمهوری اسلامی ایران هیچگاه متحدی استراتژیک و رسمی (چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی) نخواهد یافت. بر این اساس است که ایران چاره ای جزء توسل جستن به شیعیان جهان که بصورت پراکنده در برخی از کشورهای منطقه و به دور از صحنه قدرت سیاسی حضور دارند، ندارد (ادمی، ۲۰۱۱، ص ۱۵۷). بهره گیری گروههای تکفیری افراطی از خلأ قدرت و ایجاد ناامنی و تداوم بی ثباتی در سطوح مختلف از جمله مسائل و ابعاد دوره گذار در سطح منطقه است که چالشهایی امنیتی را برای ایران نیز ایجاد می کند.

۴-بالاگرفتن رقابت تلحیحاتی در منطقه : برهم خوردن توازن قوا و دگرگونی در نظم منطقه ای و بالا گرفتن تنش های قومی و مذهبی و تداوم سناریوهای ایران هراسی در منطقه، باعث خواهد شد تا مسابقه تسلیحاتی در منطقه به اوج خود برسد. تجهیز روزافزون کشورهای منطقه به سلاح های روز دنیا علاوه بر تشدید مشکلات اقتصادی منطقه و بلعیدن بخش بزرگی از درآمدهای ملی، می تواند با توجه به افزایش تنش های منطقه ای و اختلافات قومی - قبیله ای و همچنین از سرگیری ادعاهای سرزمینی میان برخی کشورهای منطقه که از تصنعی و استعماری بودن مرزهای سیاسی حاصل شده است، چشم انداز بی ثباتی و درگیری های نظامی در منطقه را برجسته و نزدیک می سازد. کشورهای خاورمیانه به دنبال سیر تحولات چند سال اخیر منطقه، کوشش نمودند با تعریف رویکردهای امنیتی مختلف، ظرفیت و توان خود را برای غلبه بر چالشهای امنیتی افزایش دهند. اما این کوشش بسیار پرفراز و نشیب و همراه با هزینه های سنگین تسلیحاتی برای کشورها بوده است.

۵. بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

۱-۵. بحث:

کشورهای آمریکا، عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی، ترکیه، قطر به عنوان معارضان نظام سوریه و کشورهای روسیه، ایران، لبنان و عراق بعنوان حامیان اصلی رژیم اسد هر یک به نحوی از انحا در پی آن هستند تا نسبت به تامین منافع حداکثری خود در بحران سوریه جامه عمل بپوشانند. بنابراین سوریه در بین بازیگرانی قرار گرفته است که اغلب خواهان تضعیف یا سرنگونی دولت اسد از صحنه سیاسی سوریه هستند. دمشق که مشکلات خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی را دارد، هم اکنون با وجود گرفتار شدن در زنجیره بحرانها تلاش می کند با اتکا به ملت و اصلاحات اساسی، این سلاح برنده (مردم) را از دست دشمن خارج کند و با جدا کردن عناصر شورشی جدا شده از مردم، آنها را تضعیف نموده و ابتکار عمل را از دست بازیگران مداخله گر بگیرد، اقدامی که دولت بشار برای انجام آن فرصت اندک دارد و فشار زیادی را باید تحمل کند. ضمن آنکه با بررسی شرایط بحران سوریه و منطق حضور جمهوری اسلامی ایران در این بحران، اهمیت سوریه برای ایران نه تنها دارای ابعاد ایدئولوژیک اسلامی-شیعی و مقاومتی است، بلکه دارای ابعاد بسیار مهم ژئوپولتیکی، استراتژیکی و امنیتی است. لذا بحران سوریه به مثابه یک جنگ نیابتی بین جمهوری اسلامی ایران با کشورهای محور محافظه کار منطقه محسوب می شود که در صورت شکست در این جنگ، با توجه به شرایط بحرانی و تهدیدآمیز منطقه، جمهوری اسلامی دچار انزوای شدید در منطقه شده و نتیجتاً توان دفاعی این کشور در مرزهایش به شدت تضعیف خواهد شد.

کشور سوریه دارای مقدرات ژئوپولتیکی فراوانی است با شروع تحولات داخلی و شکل گیری بحران، بازیگران منطقه ای و بین المللی که هرکدام اهداف و منافع خاص خود را پیگیری می کردند به ایفای نقش پرداختند. لذا این مجموعه مداخلات سبب پیچیده شدن معادلات سیاسی و امنیتی در این کشور شده است. جنگ داخلی سوریه، بستری را فراهم کرده تا به واسطه آن بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای بر اساس جایگاه ژئوپولتیک این کشور در خاورمیانه، درصدد تحقق و تأمین حداکثری منافع خود باشند.

۲-۵. نتیجه گیری :

بحران سوریه به عنوان یکی از بزرگ ترین بحران های منطقه جنوب غربی آسیا در قرن بیست و یکم به حساب می آید که گستره آن، منطقه وسیعی را در بر گرفته است. با مطالعه روند بحران و پسا بحران سوریه، چنین استنباط می شود که تداوم بحران و معارضه ایجاد شده در این کشور محصول تضاد منافع قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای می باشد. به خطر افتادن منافع قدرتهای جهانی و منطقه ای در شرق مدیترانه، باعث شده تا علاوه بر درازا کشیده شدن این بحران، چشم انداز روشنی را نتوان برای پسابحران آن متصور شد.

با توجه به آنکه کشور سوریه بعنوان تنها متحد راهبردی ایران، در بین کشورهای عربی است و با سیاست های غرب ستیز و ضدیت با رژیم صهیونیستی با کشور ایران، همسویی بالایی دارد، طبیعتاً مواجه شدن آن با هرگونه بحرانی بر منافع ملی و قدرت منطقه ای ایران نیز تأثیر مستقیم برجای خواهد گذاشت. لذا تضعیف جایگاه و قدرت متحد منطقه ای ایران، کاهش

قدرت و نفوذ منطقه ای ایران را به دنبال خواهد داشت، یا ضربه زدن به این حلقه اصلی محور مقاومت، که در حمایت و تقویت گروه های مقاومت اسلامی نقش حیاتی دارد، در راستای تضعیف محور مقاومت در منطقه خواهد بود. فلذا مناقشات ژئوپولیتیکی قدرتهای منطقه ای و فرا منطقه ای در سوریه، قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران را با تهدیداتی از جنس؛ تضعیف محور مقاومت، شکل گیری منازعات گفتمانی و تشدید تنش های فرقه ای و مذهبی، تاثیر بر جایگاه و نفوذ ایران و بالا گرفتن رقابت تسلیحاتی در منطقه مواجه خواهد نمود. چالش ها و تهدیداتی موجود در سوریه به طور بالقوه در محیط امنیتی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و با تشدید و تداوم یافتن بحران، هرکدام از این تهدیدات قابلیت این را دارد که در آینده به بحران امنیت ملی کشور ایران و تضعیف قدرت منطقه ای ایران را در پی داشته باشد. بنابراین که دولت جمهوری اسلامی ایران بایستی با در نظر گرفتن چشم انداز این تهدیدات در محیط امنیت منطقه ای خود، درجه ای از واقع گرایی را در تصمیم گیری سیاست خارجی منطقه ای خود اعمال نماید و اجازه ندهد بحران سوریه در ژئوپولیتیک درونی خویش به مسئله امنیت ملی تبدیل شود. بنابر این میتوان نتیجه گرفت که موفقیت ایران در حفظ کردن نظام سیاسی سوریه فرصت مهمی برای افزایش قدرت و نقش منطقه ای ایران و آینده سیاستهای این کشور بدست آورده است و بر ژئوپولیتیک خاورمیانه و شکل گیری ائتلافها و دسته بندی های جدید منطقه ای تأثیرات چشمگیری برجای گذارده است و برآیند آن ارتقای قدرت منطقه ای کشور در معادلات و ترتیبات منطقه و چانه زنی در سطح فرا منطقه ای رافراهم نموده است.

۳-۵. پیشنهادات:

جمهوری اسلامی ایران بایستی ضمن مطالعه روندهای طی شده در بحران سوریه و همچنین وضعیت موجود در پسا بحران، سناریوهایی را برای اتخاذ الگوهای رفتاری مناسب با شرایط و وضعیت های مختلف در سوریه در نظر بگیرد. در صحنه منطقه ای جمهوری اسلامی ایران میتواند با به کارگیری دیپلماسی فعال منطقه ای در جهت خروج از حالت بازیگری تهدیدآمیز و در راستای افزایش حوزه های ظرفیت سازی در روابط و سیاست خارجی خود با دیگر قدرتهای منطقه که با آنها ارتباط و نزدیکی بیشتری دارد و به نوعی امنیت آنها نیز متأثر از این بحران سوریه بوده، مانند کشور ترکیه و عراق، وارد مذاکره شده و تعامل بیشتری با این بازیگران منطقه ای برقرار نماید.

تمام سناریوهای ممکن نیز باید مطابق با وضعیت میدانی پسا بحران، رویکردها و ملاحظات بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای و روندهای سیاسی پیش رو از جمله مذاکرات میان قدرت های دخیل در پسا بحران سوریه را طراحی نماید. جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه میتواند از ابزارها و پایه های قدرت ملی خود در بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، موقعیت ژئوپولیتیک و ظرفیت های خود در حوزه انرژی و ... در جهت متعادل کردن شرایط جدید منطقه و پایان دادن به بحران سوریه استفاده نماید، باید به این واقعیت مهم نیز توجه داشته باشد که دامنه نقش آفرینی در خارج از مرزهای ملی نیازمند هدایت و مدیریت مناسب بازی در کنار پذیرش نسبی نقش سایر بازیگران در روند موجود است؛ یعنی تلاش ایران در جهت تثبیت نفوذ منطقه ای خود باید با در نظر گرفتن شرایط منطقه ای و خواسته های سایر بازیگران صورت پذیرد. جمهوری اسلامی ایران باید برای بدترین و بهترین وضعیت احتمالی در سوریه سناریوهای مشخصی داشته باشد تا بلکه بتواند منافع حداکثری یا مطلوب ترین منافع خود در بحران سوریه را تأمین کند.

۶. منابع:

۱-۶. منابع فارسی:

۱. آجورلو، حسین (۱۳۹۰)، تحولات سوریه: ریشه ها و چشم اندازها، فصل نامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۸، شماره ۳.
۲. آدمی، علی (۱۳۹۲)، سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه: ریشه ها، اهداف و پیامدها ۲۰۱۱-۲۰۱۲، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۲.
۳. اسماعیلی، علی (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی: مبانی، زمینه ها، و پیامدهای ژئوپولیتیک، تهران: انتشارات سوره مهر.

۴. جعفری، علی اکبر (۱۳۸۹)، منافع استراتژیک و اتحاد آمریکا-اسرائیل، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۵. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، مشهد: انتشارات پاپولی.
۶. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، کتاب سبز سوریه، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
۷. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال و فرازی، مهدی (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی: ملاحظات ایرانی و غربی، بیداری اسلامی و امنیت ملی رژیم صهیونیستی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۸. ساجدی، امیر (خردادوتیر ۱۳۸۶) "خاورمیانه بزرگ؛ فرصت یا چالش" اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۲۱، شماره ۹ و ۱۰.
۹. صالحی، حمید (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی و تکوین نظم نوین منطقه ای در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱
۱۰. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت، مقدمه ای بر طرحریزی دکترین امنیت ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، چاپ دوم.
۱۱. فرازمنند، محمد (۱۳۸۸)، ایران و مناسبات جدید قدرت در خاورمیانه، در ایران و اعراب، پژوهش ۲۱، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۲. فرزند، عباسعلی (۱۳۹۱)، « اهمیت راهبردی سوریه برای ایران » ماهنامه پیام انقلاب، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، ش ۲۶، ۴۲-۲۲.
۱۳. کتاب سبز سوریه، (۱۳۸۷)، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۴. گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۵)، اصلاحات در سوریه: زمینه ها و روندها، در کتاب خاورمیانه (۵)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۱۵. گودرزی، چوبین، (۱۳۹۱)، سوریه و ایران، اتحاد دیپلماتیک، سوئیس: انتشارات دانشگاه بوستر.
۱۶. مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، برآورد استراتژیک ترکیه سرزمینی-دفاعی-اقتصادی-اجتماعی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر
۱۷. نجات، سید علی؛ جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۹۲)، «بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه» فصلنامه پژوهشهای سیاسی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، سال سوم، ش ۸، ۹۴-۹۲.
۱۸. نیاکوئی، امیر و بهمنش، حسین (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه، مقاله، تهران: نشریه وزارت امور خارجه،
۱۹. نوردین، محمد (۱۳۸۲)، ترکیه جمهوری سرگردان، مترجم: صغرا و ستایی، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور
۲۰. واعظی، محمود؛ داداندیش، پروین، (۱۳۹۰)، «ضرورت شکل گیری ترتیبات امنیت منطقه ای در قفقاز: ره یافتی نو» مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۷، ۱۶۹-۲۰۲.
۲۱. نصرتی، شهریار (۲۰۱۲)، نقش کشورهای مسلمان در منطقه مدیترانه در ترویج منافع منطقه ای جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی
- ۲-۶. منابع لاتین:
1. Arekman, sereat (2008), USA and the Middle East; strategies and challenges, translator: Jalil yaghoobzade, Tehran: Center of Strategic Studies.
 2. Boozan, Barry (2010), Middle East and Arms Conflict, Tehran: International Center for Peace Studies.
 3. Boozan, Barry, Weaver, L, (2009), Regions and Powers: International Security Structure, Rehman Ghahrampanpur Translation, Tehran: Strategic Studies Research Center
 4. Boozan, Barri (2002), Middle East: A Contemporary Structure, Translated by Ahmad Sadeghi, Foreign Policy Quarterly, 16th Year, No. 3
 5. Carmen-Cristina Cîrlig, "The international coalition to counter ISIL/Da'esh (the 'Islamic State')", European Parliamentary Research Service, 17 March 2015
 6. Hassan, Hassan, (2013), "The Gulf States: United against Iran, Divided over Islamists", in: Barnes-Dacey Julien and Levy Daniel, The Regional Struggle for Syria, European Council on Foreign Relations.
 7. Nikitin, Alexander, (November 2012), "Russia as Permanent Member of the UN Security Council", International Policy Analysis.
 8. Martin, lenor ji (2009), the new face of security in the Middle East, the translation of Kadyr Nasri, Tehran: The University of Imam Sadeq.
 9. Guzansky, yoel, (2011), "Saudi Activism in a Changing Middle East", Strategic Assessment, Vol.14, No.3.

10. Sadeghi, Seyyed Shamsudin and Lotfi, Kamran (2016), Analysis of the positions of the Islamic Republic of Iran over the Syrian crisis, contemporary political questions. Period 6, NO. 15[In Persian]
11. pan, Esther, (2006), "Syria, Iran and the Mideast Conflict", Foreign. Relation, at: <http://www.cfr.org>.
12. Gelbart, Jonathan. (2010). "The Iran-Syria Axis: A Critical Investigation". Stanford Journal of International Relations, Vol.12, No.1
13. Rabinovich, Itamar, (Number 2012), Israel's View of the Syrian Crisis, The Saban Center for Middle East Policy at Brookings
14. Reider, Dimi, (2013), "Israel: Strategically Uncertain, Tactically Decisive", in: Barnes-Dacey Julien and Levy Daniel, The Regional Struggle for Syria, European Council on Foreign Relations.
15. Gause, Gregory F. (2014). Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War. Foreign Policy at Brookings Doha Center Analysis Paper. November.
16. Rabinovich. I. (2012), "Israel's View of the Syrian Crisis", Saban Center Analysis Paper Series, Number 28 of 29. November 26.
17. Dacey, Ellie Geranmayeh, and Daniel Levy. (eds). The Islamic State through the Regional Lens, European Council on Foreign Relations.
18. Farzandi, abasali(2012) , the strategic importance of Syria for the Islamic Republic of Iran: // www.farsnews.com

Geopolitical Conflicts of Regional and Trans-regional Powers in the Syrian Crisis and Its Impact on Regional Electricity of the Islamic Republic of Iran

Abstract

The evolution of the geopolitical environment of the Southwest Asian security environment since the September 11, 2001, events has forced regional and trans-regional powers to take different approaches to the crises in the region. Meanwhile, the Syrian crisis is so deep that it has disrupted the balance of power of regional and trans-regional powers in proportion to what has been lost in the crisis or the interests that have been overlooked. In this crisis, the geopolitical conflict, ideology and strategic interests of regional and extra-regional powers with the Islamic Republic of Iran have called upon these countries for direct engagement with Iran.

In addition to that, the Syrian developments from the beginning till now is one of the most important events that has affected the national security of the Islamic Republic of Iran in addition to the regional issues. As Syria has for many years played the role of Iran's gateway to the Arab world, it has been the center of Iran's resilience and strategic link to the Mediterranean and the Near East. This has led to the weakening of Syria, in addition to weakening the axis of resistance, resulting in a decrease in Iran's regional influence and power. The present study is a descriptive-analytical one and seeks to discuss the impact of the independent variable, namely the geopolitical conflict of regional and trans-regional powers in the Syrian crisis on Iran's regional security as a dependent variable. The main purpose of this article is to analyze Iran's regional security in light of developments in Syria. The results show that each of the post-crisis scenarios related to the geopolitical developments in Syria will have significant effects on the national security and regional power of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: syria, iran, geopolitical conflict, regional and regional powers, regional security.